ادامه از صفحه اول

دولت، بورس و ۳ دغدغه

سؤالی که دولتمردان باید برای آن پاسخ مستدل ارائه کنند، این است که چرا در دو میدان اول که فقط شهروندان و اقتصاد ملی ذی‌نفع هستند، چنین نتایج درخشانی کسب نمی‌شود، اما در میدان سوم که هدف تأمین منابع مالی دولت است، دستاوردی مطلوب و حتی فراتر از حد انتظار کسب می‌شود؟

انتخابات آمریکا و اقتصاد ایران

به هر صورت اگر با انتخاب بایدن فروش نفت ایران آغاز شود و به‌تدریج گسترش یابد، بحران اقتصادی کنونی ایران به‌تدریج فروکش خواهد کرد. با آزادی تدریجی صادرات کالاهای دیگر هم درآمد دولت و هم درآمد مردم افزایش خواهد یافت، زیرا ۷۰ درصد اقتصاد کنونی ایران در دست دولت یا نهادهای حکومتی است. حرکت به‌سوی رفاه نسبی شتاب خواهد گرفت. ارزش برابری دلار به‌تدریج کاهش خواهد یافت که به مفهوم بالارفتن ارزش پول ملی خواهد بود. فقر کنونی در طبقات پایین اقتصادی به‌تدریج کاهش خواهد یافت، زیرا مشاغل وابسته به صنعت نفت که به‌خاطر تحریم و با بروز و گسترش کرونا در ایران از دست رفته‌اند، به‌تدریج باز خواهند گشت. مسکن و اجاره‌بها نیز پایین خواهد آمد. چنین تحولی در بهای کالاهای مورد نیاز مردم تأثیر خواهد گذاشت. بروز ایستایی و بلاتکلیفی در خرید و فروش ملک به‌ویژه مسکن در نظام بازار ایران دور از انتظار نخواهد بود. این پدیده اشک بازاریان و فروشگاه‌های مال‌های تجاری را در خواهد آورد. روابط تجاری ایران با کشورهای اطراف و اروپا و خاور دور بهبود خواهد یافت، زیرا از یک سو فشار کنونی بر این حرکت که توسط ترامپ اعمال می‌شود کاهش می‌یابد و از سوی دیگر ارزش کنونی دلار و ین و پوند و ارزهای دیگر به سوی تقویت ارزش ریال به حرکت در خواهد آمد. این دگرگونی‌ها چون در یک دوره بحرانی صورت می‌گیرد، از دید زمان و مکان قابل پیش‌بینی نیستند. حالتی که هم‌اکنون در نظام اقتصادی و برنامه‌ریزی دیده می‌شود، همسانی فراوانی با رویدادهای اول انقلاب دارد. امروز سازمان‌های برنامه‌ریزی و بخش‌های برنامه‌ریزی سازمان‌های دولتی هیچ‌چیز را نمی‌توانند پیش‌بینی کنند. این در حالی است که پیش‌بینی‌پذیری نخستین شرط هر برنامه‌ریزی است. همراه با این تحولات باید نقش گسترش کرونا را هم وارد محاسبات کرد. پیدایش کرونا به‌هیچ‌وجه قابل پیش‌بینی نبود. بیماری کرونا هم‌زمان با محاصره اقتصادی باعث فشار مضاعف بر دولت کنونی ایران شده است. تغییر دولت در آمریکا همراه با تلاش جهانی برای کنترل گسترش کرونا بر وضعیت اقتصادی ایران و جهان نقش عمده‌ای ایفا خواهند کرد. این تغییرات اگر مثبت باشد سود آن نصیب دولت بعدی در ایران خواهد شد، زیرا دوره دوم دولت روحانی سال آینده به پایان می‌رسد و هم‌اکنون رقبای انتخابات آینده به جان هم افتاده‌اند. هرچه که باشد یا رخ دهد، دولت کنونی ایران چوب عمده آن را خواهد خورد، زیرا اگر سودی باشد، نصیب دولت بعدی خواهد شد. دولت بعدی این تحولات را به‌عنوان نتیجه عملکرد بهتر دولت خود به رخ مردم خواهد کشید. مخالفان دولت هم هاج و واج از هم می‌پرسند «پس چی شد» این همه زحمات ما؟

دختران کتاب ریاضی مسئله این است!

بعد که به سینه ریخت و تب بالا رفت، به اصرار همسرم به کلینیک نزدیک خانه مراجعه کردم و خانم دکتری جوان بی‌درنگ با تجویز دارویی که بعد از علنی‌شدن کرونا در درمان کووید۱۹ از آن به‌عنوان داروی مؤثر نام بردند، بیماری رنج آور مرا، هرچه بود، درمان کرد. چند روز پیش برای کاری بانکی به دو بانک محله خودمان مراجعه کردم. در یک بانک فقط معاون مرد بود و رئیس و همه کارکنان بانوان و دختران ارجمند ما بودند و در دیگری از هشت کارمند رئیس و چهار همکار از بانوان بودند. بعد به دلیل عفونتی در چشم به یکی از مراکز مجهز چشم‌پزشکی مراجعه کردم، از دختر خانمی که مؤدبانه با افشانه الکل استقبال و دستم را ضدعفونی کرد، تا مأمور پذیرش که مرا به اورژانس راهنمایی کرد، تا منشی پذیرش آن بخش و کارمند مالی و تکنسین معاینه قبلی و اندازه‌گیری تغییرات درجه بینایی دور و نزدیک و سرانجام تا پزشک متخصصی که با اعتماد به نفس معاینه کرد و دارو داد و تجویز قاطعی در مورد عملی کوچک در یک چشم کرد، همه از دختران ارزشمند و لایق ما بودند. باور کنید موجب افتخار است. بهترین متخصص درمان ریشه دندان و همچنین بهترین متخصص رادیوگرافی فک و دندان و نیز متخصص اولتراسونیک داخلی که اخیرا به آنان ارجاع شدم همگی از بانوان ما بودند. چون با نشریات سروکار دارم، به جرئت می‌گویم برجسته‌ترین روزنامه‌نگاران و گزارشگران و تحلیلگران سیاسی و فرهنگی و ادبی ما، با وجود همه تبعیض‌هایی که برایشان در حکم غذای روزانه عادی شده است و نیز بیشترین مترجمان و نویسندگان خوب و مطرح امروزی ما از میان دختران و بانوان ما هستند. اگر روزی فروغ، سیمین دانشور، سیمین بهبهانی و پروین اعتصامی استثنا تلقی می‌شدند، امروز چنین نیست. اینان اصل هستند. آقایان! بدانید، اینان هستند آن نسلی که تاب نیش و تحقیر را آن هم از سوی جایگاهی فرهنگی ندارند. از شما، وزارت آموزش‌وپرورش و مسئولان فرهنگی توقع دارند حرمت همسران، مادران و دختران خودتان را پاس دارید و از این کار ناهنجار پوزش بخواهید.

آیت‌الله یوسف صانعی، از مراجع تقلید شیعیان، در ۸۳ سالگی درگذشت

خاموشی فقیه پویا

دفتر آیت‌الله صانعی اعلام کرد که بنا بر وصیت ایشان هیچ مراسمی برگزار نمی‌شود

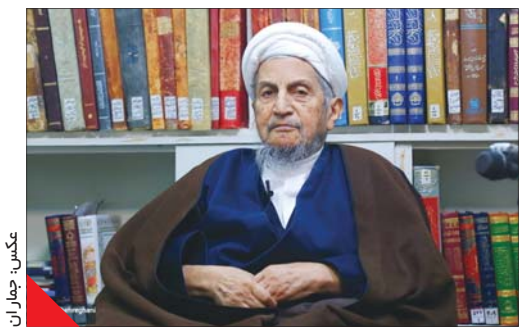
عکس: جماران

شرق: روز گذشته آیت‌الله یوسف صانعی در ۸۳سالگی درگذشت. دفتر این مرجع تقلید اعلام کرد که آیت‌الله صانعی از بیماری سیروز کبدی و بیماری کلیوی رنج می‌برد و پنج‌شنبه‌شب که به‌دلیل شکستگی دست و لگن در بیمارستان بستری شد، در زمان دیالیز بدنش فاکتورهای مورد نیاز کبد و کلیه را تأمین نکرد و فوت شد. همچنین در اطلاعیه منتشرشده ازسوی دفتر آن مرجع اعلام شد که بنابر وصیت ایشان هیچ مراسمی برگزار نخواهد شد. در متن این اطلاعیه آمده است: «اناالله و اناالیه راجعون. مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلاً (احزاب/۲۳) در ایام شهادت حضرت امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) روح بلند آزادمرد عرصه علم و اجتهاد، فقیه نواندیش، بقیه‌السلف شاگردان حضرت امام خمینی (سلام‌الله علیه)؛ حضرت آیت‌الله‌العظمی صانعی (قدس‌سره) به دیدار معبودش شتافت و کوله‌باری از غم و اندوه را بر دل مشتاقانش قرار داد. او که ارادت زایدالوصفی به اهل بیت (علیهم‌السلام) و علوم آل‌محمد (صلی‌الله علیه و اله و سلم) داشت، بهترین ایام و اوقاتش مطالعه، تدریس و تألیف فقه و فقاهت بود و از این جهت آثار به‌جای‌مانده از ایشان سرمایه‌ای ماندگار برای حوزه‌های علمیه، جامعه اسلامی و جوامع بشری خواهد بود. ضمن عرض تسلیت به پیشگاه مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداء، ملت شریف و بزرگوار ایران، مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه، اعلام می‌دارد با توجه به وصیت آن عزیز سفر کرده، در ایام کرونا هیچ‌گونه مراسم از تشییع و... برگزار نمی‌گردد».

مدارج علمی

آیت‌الله یوسف صانعی در خانواده‌ای روحانی در روستای نیک‌آباد شهرستان اصفهان متولد شد. پدر او محمدعلی صانعی و پدربزرگش ملایوسف هر دو از روحانیون شناخته‌شده زمان خود بوده‌اند. او در فلسفه از شاگردان میرزاجهانگیرخان و در فقه از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی بود. او در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و پس از گذراندن دروس مقدمات در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل، به حوزه علمیه قم رفت. صانعی در امتحانات سطوح عالی حوزه در سال ۱۳۳۴ رتبه اول را احراز کرد و مورد تشویق سیدحسین طباطبایی‌بروجردی قرار گرفت. او از همین سال در درس خارج امام خمینی شرکت کرد و تا سال ۱۳۴۲ به‌طور مستمر از حوزه درس اصول و فقه و مبانی مُتقن امام بهره برد و در زمره شاگردان موفق او قرار گرفت. حضور فعال در درس خارج امام در سالیان دراز و ممارست فراوان نسبت به فراگیری مبانی و تحقیقات او، اِشراف او را بر دیدگاه‌های فقهی و اصولی امام خمینی به درجه‌ای رساند که به تعبیر او «در حد شعور مبانی بود و از حد صِرف دانستن، بالاتر». او همچنین از محضر استادانی چون سیدحسین طباطبایی‌بروجردی، سیدمحمد محقق‌داماد و محمدعلی اراکی نیز بهره برد. صانعی از سال ۱۳۵۴ رسما تدریس خارج فقه را با کتاب زکات در مدرسه حقانی (شهیدین) شروع کرد.

فعالیت سیاسی پیش از انقلاب

اغلب مبارزات سیاسی و فعالیت‌های انقلابی صانعی پیش از انقلاب اسلامی تلاش در ابعاد فرهنگی و تبلیغاتی بوده است. این تلاش‌ها از طریق تبلیغ، سخنرانی، حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و صدور اعلامیه و بیانیه‌های سیاسی انجام می‌گرفت. بر اساس آنچه در جلد سوم کتاب اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، نام و امضای یوسف صانعی، در ذیل حدود ۳۰ اعلامیه سیاسی و انقلابی به ثبت رسیده است که اولین آن، نامه‌ای است که پس از انتقال امام از ترکیه به نجف، ازسوی علمای قم، خطاب به او نوشته شده است. همچنین آخرین بیانیه‌ای که نام و امضای او و دیگر همراهان انقلاب در ذیل آن به چشم می‌خورد، اعلامیه‌ای است که در مخالفت با دولت بختیار، در تاریخ ۱۷ دی‌ماه سال ۱۳۵۷ صادر شده است. شاید مهم‌ترین بیانیه شدیدالحن مبلغان مذهبی در قم در قبل از انقلاب، بیانیه مربوط به «خلع ید شاه از حکومت» است که به تأیید جمعی از فضلا و مدرسان حوزه علمیه قم رسیده است و نام و امضای یوسف صانعی نیز در ذیل آن به چشم می‌خورد.

مسئولیت‌های بعد از انقلاب

یوسف صانعی در اسفند ۱۳۵۸ از طرف امام به‌عنوان یکی از شش فقیه شورای نگهبان قانون اساسی منصوب شد. او مسئولیت‌های دیگری نظیر نمایندگی امام در شورای عالی بازسازی مناطق جنگی را نیز برعهده داشت. صانعی، پس از حدود سه سال، در ۱۹دی ۱۳۶۱ از آن شورا کناره‌گیری کرد و در همان تاریخ از طرف امام به دادستانی کل کشور منصوب شد. او در اردیبهشت ۱۳۶۴ از دادستانی استعفا داد ولی با استعفایش موافقت نشد؛ البته چندی بعد محمد موسوی‌خوئینی‌ها جایگزین او شد. یوسف صانعی در اولین دوره مجلس خبرگان رهبری در آذر ۱۳۶۱ نیز به‌عنوان نماینده منتخب مردم تهران رأی آورد.

آغاز مرجعیت

صانعی در اوایل انقلاب در صداوسیما رساله (توضیح‌المسائل) امام را آموزش می‌داد و پس از کناره‌گیری از کلیه مناصب حکومتی به قم رفت و درس خارج خود را ادامه داد. برای اولین‌بار رساله توضیح‌المسائل او در سال ۱۳۷۲ چاپ شد. خوانش آیت‌الله صانعی در فقه نسبت به دیگر مراجع قدری نوین بود و در واقع در مقام افتا سختگیر نبود و همین موضوع باعث شد در دوران مرجعیت او مورد اقبال مردم و خاصه جوانان قرار بگیرد. گفته می‌شود که او همیشه این سخن صاحب‌جواهر را که به شیخ انصاری گفته شده بود مورد توجه قرار می‌داد که «از احتیاط‌های خود بکاه، زیرا دین اسلام، شریعت آسان است».

شبهه جامعه مدرسین بر مرجعیت صانعی پس از رخدادهای سال ۸۸

یکی از مقاطع حساس حیات سیاسی آیت‌الله صانعی مواضع او پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ بود که با انتقادهای تند اصولگرایان مواجه شد. این انتقادها تا جایی پیش رفت که در دی‌ماه همان سال جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام کرد که یوسف صانعی شایستگی تصدی مرجعیت ندارد. در اطلاعیه جامعه مدرسین آمده بود: «با توجه به پرسش‌های مکرر مؤمنان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم براساس تحقیقات به‌عمل‌آمده در یک سال گذشته و پس از جلسات متعدد به این نتیجه رسیده است که ایشان فاقد ملاک‌های لازم برای تصدی مرجعیت می‌باشد». درپی این بیانیه مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم با انتشار بیانیه‌ای ضمن اظهار تعجب و تأسف از بیانیه دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام کرد که موقعیت مرجعیت مثل مناصب حکومتی نیست که شخص، گروه، نهاد و تشکلی برای خود حقی در نصب‌وعزل آن قائل باشد. همچنین مجمع روحانیون مبارز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که جای هیچ‌گونه تردیدی در مرجعیت آیت‌الله صانعی نیست و این مرجعیت با بیانیه یک گروه مورد پذیرش مقلدان قرار نگرفته است که با بیانیه گروهی دیگر از اعتبار بیفتد. پس از بیانیه جامعه مدرسین شخصیت‌های مهمی نسبت به آن واکنش نشان دادند؛ برای مثال آیت‌الله سیدعلی سیستانی گفت: «جامعه مدرسین مرجع تشخیص صلاحیت مراجع نیست». یا آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی‌اردبیلی نیز ادامه تقلید از یوسف صانعی را بلامانع عنوان کرد. حتی آیت‌الله حسین نوری‌همدانی هم درباره این موضع گفته بود: «به‌سادگی نمی‌توان صلاحیت یک مرجع تقلید را زیر سؤال برد اما اگر شخص مقلد با تحقیقات از آیت‌الله صانعی پیروی می‌کند می‌تواند ادامه دهد تا زمانی که فسق مرجع مورد نظر اثبات شود». آیت‌الله مکارم‌شیرازی هم گفته بود: «در ادامه پیروی از آیت‌الله صانعی ایرادی وارد نیست و همان‌طور که امام خمینی دیدگاه‌های سیاسی آیت‌الله منتظری را مردود می‌دانستند اما به مرجعیت ایشان خللی وارد نشد و ایشان هم‌چنان مقلدانی داشتند، در موضوع آیت‌الله صانعی نیز به همین‌گونه برخورد شود». آیت‌الله اسدالله بیات‌زنجانی هم موضع خود را این‌گونه بیان کرده بود: «اینجانب ضمن تأکید مؤکد بر شأن و منزلت اجتهادی و فقهی مرجع عالی‌مقام حضرت آیت‌الله صانعی (ایده‌الله‌تعالی) همه مقلدان ایشان را در پیروی از فتاوای ایشان مأجور می‌دانم و یقین دارم که بدرفتاری‌ها و کج‌خلقی‌های اخیر علیه برخی مراجع تقلید و نهادهای مستقل حوزوی مانند مجمع محققین و مدرسین حوزه که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ناشی از جمود و کج‌فهمی است، راه به‌جایی نخواهد برد». آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در پاسخ به پرسشی درباره نقش مرجعیت در فقه شیعه و اقدام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در رد صلاحیت مرجعیت آیت‌الله صانعی گفته بود: «در تاریخ تشیع هیچ‌گاه مرجعی توسط جایی نصب یا عزل نشده بلکه مردم با تشخیص خود و پرداخت وجوهات فرد مناسب به‌عنوان مجتهد را انتخاب کرده‌اند».

آثار به‌جامانده

کتب متعددی از آیت‌الله یوسف صانعی به یادگار مانده است، ازجمله آنها می‌توان به چنین مواردی اشاره کرد: رساله توضیح‌المسائل، مجمع‌المسائل، استفتائات قضائی، احکام بانوان، احکام نوجوانان، احکام پزشکی، منتخب‌الاحکام، مناسک حج، منتخب مناسک حج، احکام حج، ویژه بانوان، احکام عمره مفرده، ۷۲ مسئله از مسائل عمره مفرده، منتخب اعمال و مناسک حج، ۱۱۰مسئله از مسائل حج، ۴۰ مسئله در حج احکام تعلیم‌وتربیت، احکام اعتکاف، شهادت زن در اسلام، چکیده اندیشه‌ها، همراه با آفتاب، عقل و عاطفه در نهضت عاشورا، حدیث زندگی (داستان زندگی آقا شیخ محمدعلی صانعی)، امام خمینی و راز احیای اجتهاد در عصر حاضر، امام خمینی، اسوه مردم و حکومت و... .

یک عمر تلاش در مسیر فقه پویا

سیدرضا اکرمی

وقتی در سال ۴۰ برای تحصیل به قم رفتم، حضرت آیت‌الله صانعی را در مدرسه فیضیه مشغول مباحثه دیدم؛ مباحثه ایشان برایم جالب بود. دیگران گفتند که او از شاگردان خوب امام است. همین‌طور هم بود و ایشان همواره در کلاس‌های درس حضرت امام حاضر بودند و به جرئت می‌گویم که در دوران تحصیل و تدریس هیچ زمانی نبود که وقت‌شان را بیهوده بگذراند. پس از انقلاب هم همواره در صحنه بودند و انجام وظیفه می‌کردند و در هرکجا که بودند، از دادستانی کل تا شورای نگهبان و هرجای دیگر با خلوص نیت خدمت می‌کردند. پس از آن هم که به قم رفتند و مشغول تدریس شدند، نوآوری‌های مهمی ایجاد کردند؛ از جمله درباره قضاوت زنان یا مسئله فرزندخواندگی که البته برخی در تمام ادوار نوآوری‌های ایشان را نمی‌پذیرفتند و برخی هم از آنها استقبال می‌کردند. حتی زمانی که برخی افراد به دلایلی سیاسی به آیت‌الله صانعی انتقادهای تندی وارد می‌کردند، می‌شد فهمید که بحث‌ها کارشناسی نبود. بحث‌های حوزوی باید در حوزه مورد کاوش قرار گیرد و ازسوی کارشناسان فن ارزیابی شود و این‌گونه مسائل را نمی‌توان با نگاه سیاسی تعبیر و تفسیر کرد. اجتهاد در شیعه جایگاه والایی دارد و در طول تاریخ تشیع بسیاری از بزرگان بوده‌اند که نظرات ابتکاری و ابداعی داشته‌اند که بعضِ آنها مورد پذیرش قرار می‌گرفت و بعضِ دیگر خیر. برای مثال آیت‌الله حکیم نخستین مرجعی بودند که درباره اهل کتاب نظر دادند و آنها را پاک دانستند یا حضرت امام درباره بازی شطرنج نظرات متفاوتی داشتند که همان زمان هم برخی با دیدگاه ایشان بر موضوع شطرنج زاویه داشتند. به‌هرروی حضرت آیت‌الله صانعی در عمر ۸۳ساله خود از دوران طلبگی تا دوران تحصیل و تدریس و اجتهاد انسانی بسیار فعال و به‌روز بودند و همواره می‌کوشیدند که بسیاری از مسائل اجتماعی و خانوادگی را با فقه پویا حل کنند.

روحشان قرین رحمت حق.

اجتهاد مبتنی بر عقل و عدالت

فاضل‌میبدی

من از سال ۱۳۵۰ که به قم آمدم، آقای آیت‌الله صانعی را می‌شناختم، ایشان از استادان برجسته حوزه و از مبارزان انقلاب و یاران امام بودند. ایشان چند ویژگی داشتند که در کمتر کسی یافت می‌شد. مثل اینکه ایام نوجوانی وارد حوزه علمیه شده و بسیار تیزهوش بودند حافظه‌ای قوی داشتند و برای همین هم در جوانی به سن اجتهاد رسیده بودند. در مدرسه حقانی جوان‌ترین استادی که در حوزه درس خارج می‌داد، ایشان بود؛ مدرسه‌ای که با همت آیت‌الله بهشتی و قدوسی راه افتاده بود. این خیلی برای ما جالب بود که طلبه جوانی استاد درس خارج بود. بعد از انقلاب هم جوان‌ترین فقیهی بودند که به حکم امام در شورای نگهبان به‌عنوان فقیه منصوب شد. چون امام ایشان را به‌خوبی می‌شناخت. تصور می‌کنم جوان‌ترین فقیهی هم بودند که در دهه ۶۰ دادستان شدند و عجیب بود که با این مشغله درسش را در قم رها نمی‌کرد و هر روز بین این دو شهر در رفت‌وآمد بود. شاید یکی از دلایلی که باعث شد ایشان فقیه و نواندیشی نوآور شود و چندان مقلد گذشتگان نباشد هم همین بود که در جوانی به مرجعیت رسیدند. ایشان برای اجتهاد و استنباط هم سه ملاک داشتند؛ یک اینکه منطبق با قرآن باشد؛ دوم عقل و عدالت. اگر فتوایی از نظر ایشان منافی عدالت بود، آن را قبول نمی‌کرد. آیت‌الله صانعی در خیلی از مسائل هم تجدیدنظر می‌کرد. در حقوق زنان بسیار نگاه باز و فتاوای جدیدی داشت؛ مثلا ایشان قائل به برابری دیه زن مرد بود. حتی در دیه مسلمان و غیرمسلمان نوآوری داشت و اجتهاد مجدد کرده بود. ایشان هر سال سمینارهای خوبی برگزار می‌کرد و مقالات خوبی هم به همت ایشان جمع می‌شد که سرمایه ارزشمندی است. به‌تازگی برخی مدعی شده‌اند که ایشان در دهه ۶۰ به علت داشتن سمت دادستان نقشی در حوادث آن دوره داشته‌اند؛ اما به نظر من و به گواه تاریخ شفاهی و غیرشفاهی که از آن زمان و مرتبط با ایشان بر جا مانده است، آیت‌الله صانعی نیز مانند آیت‌الله منتظری مخالف تندروی‌ها بودند و حتی در نهایت به همین علت به قم بازمی‌گردند. حتی در خاطراتی از خودشان هم شنیده‌ام که شاید الان درست نباشد نام برخی افراد را ببرم اما می‌دانم ایشان به‌خاطر برخی تندروی‌های اول انقلاب، سمت دادستانی را رها کرد و به قم بازگشت. بعد هم که در زمان انتخابات ۸۸ آن مشکلات برای ایشان رخ داد و وقتی آقای صانعی موضع صریحی گرفتند، دیدیم که چطور همان‌هایی که بعدها استخر فرح را علیه روحانی علم کردند و به لاریجانی حمله کردند، به منزل ایشان در قم یورش بردند و شعار دادند و شیشه‌های منزل ایشان را شکستند. به‌جای دادن پاسخ منطقی به اظهارات ایشان، دست به حمله و هتک حرمت یک مرجع شیعه زدند، آن‌هم به نام دین و اسلام. به کسی حمله کردند که مرجع تقلید بوده و همراه و یاور امام بوده است.

هادی قابل:

برای ایجاد تحول در حوزه به ایشان امید داشتیم

حجت‌الاسلام هادی قابل، پژوهشگر مسائل دینی و یکی از شاگردان مرحوم آیت‌الله صانعی با اشاره به ابعاد شخصیتی این مرجع برجسته تقلید در گفت‌وگو با امتداد، گفت: «ابعاد شخصیتی آیت‌الله صانعی در دو حوزه مورد توجه قرار می‌گیرد. نخست اینکه ایشان در حوزه زندگی شخصی خود، بسیار ساده‌زیست با شیوه طلبگی و ساده‌ای روزگار می‌گذراند. او، مرجع مردمی و ساده‌زیستی بود که زندگی او هیچ‌گاه تغییر نکرد. بعد دیگر شخصیت ایشان در حوزه ابعاد فکری و فقهی ایشان مورد توجه قرار می‌گیرد. مرحوم آیت‌الله‌العظمی صانعی از اساتید ما بودند و من افتخار این را داشتم که در سال‌های ۶۲ و ۶۳ در محضر ایشان تلمذ کنم. ایشان به مانند بسیاری از فقهای نواندیش ما، تغییر فکری داشتند و همواره به‌عنوان یکی از شاگردان برجسته امام، مورد تأیید ایشان بود و اجتهادش هم به تأیید امام رسیده بود».

او افزود: «یکی از خصوصیات ایشان این بود که فقه خود را به سمت عقلانیت برده و عقل را به‌عنوان یکی از طرق استنباط احکام مورد توجه قرار داد. ایشان عدالت را به‌عنوان یک محور در فقه مورد توجه قرار داد که احکام دینی و شریعت باید حتما عادلانه باشد. لذا ما شاهدیم که ایشان، نوآوری‌هایی را در فقه به وجود آورد که حتی برخی از حوزویان به آن واکنش نشان داده و اتهاماتی به او زدند. بعدها برخی از همان دیدگاه‌ها و فتاوای ایشان در این عرصه که بر مبنای عدالت و عقل شکل گرفت، در تقنین کشور مانند بحث برابری دیه زنان و مردان، دیه غیرمسلمانان یا ارث زنان از عرصه و اعیان وارد شد».

قابل گفت: «آیت‌الله صانعی یکی از مراجع نواندیش ما بود که فقدان ایشان بدون تردید برای حوزه‌های علمیه بزرگ خواهد بود. ما برای ایجاد تحول در حوزه پس از آیت‌الله منتظری به ایشان امید داشتیم. هر تحولی در حوزه استنباط در طول تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه با واکنش‌های تندی روبه‌رو شده و حتی با بزرگانی چون، علامه حلی، مقدس‌اردبیلی و محقق سبزواری هم شاهد این نوع رویکرد از ناحیه سنتی‌ها بوده‌ایم. قطعا بدانید که آیندگان در حوزه‌های علمیه از فتاوای آیت‌الله صانعی و آیت‌الله منتظری سود برده و به عنوان چراغ راه، می‌توانند از آن برای روزآمدکردن فقه بهره بگیرند».

این پژوهشگر مسائل دینی گفت: «از جمله عزیزانی که به دلیل ارتباط دیرینه و تنگاتنگ، همیشه مورد دغدغه ایشان قرار داشتند، مهندس میرحسین موسوی و خانم رهنورد و آقای کروبی بودند. می‌دانیم که پس از رحلت امام، میرحسین و خانم رهنورد، مقلد آیت‌الله صانعی بوده و همه‌ساله به حضور ایشان رفته و وجوهات شرعی‌شان را به دفتر ایشان می‌پرداختند».

گزارش

زندان پایان راه متهمان پرونده فساد در دستگاه قضا

بیش از نیم قرن حبس برای طبری

● **شرق:** حکم پرونده طبری و همدستانش اعلام شد. هفت روز بعد از روی‌کارآمدن حجت‌الاسلام رئیسی بود که اکبر طبری معاون اجرائی حوزه ریاست قوه قضائیه از کار برکنار شد.

او فردی بود که علیرضا زاکانی در مناظره‌ای با مصطفی تاجزاده فاش کرد همانی است که او را قبل‌تر «بیچاره‌کننده دو رئیس قوه قضائیه» دانسته و تأکید کرده بود «عزل او کافی نیست و باید محاکمه شود». البته بعد از عزل او و گسترش شایعاتی از فساد، خبری مبنی بر انتقال طبری به تشخیص مصلحت نظام منتشر شد که سبب خشم آملی‌لاریجانی شد.

دفتر آملی‌لاریجانی در جوابیه خود خطاب به ایرنا که این خبر را منتشر کرده بود، نوشته بود: «اتهاماتی به معاون اجرائی سابق حوزه ریاست قوه قضائیه زده شده که کذب‌بودن آن بر همگان آشکار است؛ مثل فساد آشکار وی یا اینکه همگان بر فساد وی آگاه‌اند. این‌گونه اتهام‌زنی یک‌طرفه و محاکمات رسانه‌ای بدون اینکه متهم بتواند از خود دفاع کند، کاری خلاف شرع، خلاف قانون و خلاف اخلاق است».

در این جوابیه تأکید شده بود: «برخی از اتهامات مطرح در مورد معاون اجرائی حوزه ریاست قبلا در دادسرا بررسی شده و کذب‌بودن آن محرز شده بود. رئیس قوه قضائیه پیشین هم خود مستقلا آنها را بررسی و خلاف‌بودن آنها برای وی محرز شده بود.

مدعیان اگر مدعی وجود اتهاماتی دیگر هستند، چرا در طول ۱۰ سال آنها را با رئیس قوه قضائیه در میان نگذاشته‌اند؟».

این دفاع آملی‌لاریجانی مانع از رسیدگی به اتهامات طبری نشد و در نهایت خبر بازداشت او ۲۳ تیر ۱۳۹۸ منتشر شد. نزدیک به یک سال هم تحقیقات و صدور کیفرخواست زمان برد تا اینکه در ۱۸ خرداد ۱۳۹۹ اولین جلسه دادگاه اکبر طبری و چند نفر دیگر از متهمان به همکاری با او از جمله بیژن قاسم‌زاده (بازپرس سابق دادسرای رسانه که دستور فیلتر تلگرام در ایران را صادر کرده بود) برگزار شد که در آن نماینده دادستان متهمان را به «تشکیل شبکه چندنفری در ارتشا» متهم کرد.

رسیدگی به اتهامات پرونده طبری یکی از پرحاشیه‌ترین محاکمات سال‌های اخیر بود. از یک‌سو خبر از فساد چندین‌ساله می‌داد و از سویی قضات مطرحی به‌عنوان متهمان در دادگاه حضور داشتند و در این بین یک قاضی نیز متواری بود. قاضی معروف که قاضی اجرائیات بخش لواسانات، بازپرس شعبه ۹ دادسرای کارکنان دولت و قاضی دادسرای فرهنگ و رسانه را در پرونده کاری خود داشت.

او سابقه صدور احکام سنگین برای برخی فعالان رسانه‌ای و سیاسی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ را نیز در کارنامه خود داشت. او متواری و متهم به فساد و دریافت رشوه‌های میلیاردی برای اعمال نفوذ در پرونده‌های مفسدان بزرگ اقتصادی بود اما به ناگاه در رومانی به طرز مشکوکی مرد؛ مرگی که رومانی آن را خودکشی اعلام کرد و سیستم قضائی ایران هنوز نتایج تحقیقات خود را منتشر نکرده است.

خودکشی یا قتل در نهایت منجر به مختومه‌شدن پرونده این قاضی شد و دست همدستانش رو نشد و مرگ او به هر دلیلی که رخ داد، نفعش فقط برای مجرمانی بود که با حمایت منصوری از اجرای عدالت در امان مانده بودند. در این بین محاکمه قاضی بیژن قاسم‌زاده هم خود سوژه مهمی بود. او که همچون منصوری به داشتن رفتاری خشن با اهالی رسانه و صادرکننده حکم فیلتر تلگرام مشهور بود، خود متهم به اخذ رشوه شد و نشان داد سروصدای بسیار او از عدالت‌خواهی‌اش نبوده و به وقتش با گرفتن رشوه چشمانش را بر حقیقت بسته است.

حال با گذشت چندین ماه از تشکیل پرونده و برگزاری دادگاه، رأی محکومیت متهمان صادر شده است و سخنگوی قوه قضائیه از ۳۱ سال حبس برای اکبر طبری و ۱۰ سال زندان برای بیژن قاسم‌زاده، به جرم دریافت رشوه خبر داده است.

غلامحسین اسماعیلی با اعلام صدور رأی پرونده اکبر طبری گفت: طبری در این پرونده ۱۰ عنوان اتهامی داشت. او در دو عنوان اتهامی تبرئه و در هشت مورد دیگر دادگاه در چارچوب قوانین، مجازات حبس و جزای نقدی صادر کرده است. وی افزود: رأی هنوز غیرقطعی و قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. سخنگوی قوه قضائیه خاطرنشان کرد: طبری بابت تشکیل شبکه ارتشا به ۳۱ سال حبس تعزیری و ضبط اموال محکوم شده است.

ادامه در صفحه ۳